

آینه

یادداشت: «پارازیت امروز و گزارش فردا» ابوالقاسم قاسم‌زاده

حالا که موضوع پارازیت و اشعه زیان آور خبر روز شده است وزارت ارتباطات نیز مسوولیت آن را نمی‌پذیرد و به قول معروف «جاحتالی می‌دهد». سیاه‌پاسداران و البته وزارت اطلاعات هم گفته‌اند، پخش پارازیت‌هاهیچ ارتباطی با آنها ندارد. صدواسیما هم «سکوت» را ترجیح می‌دهد. مردم مانده‌اند و رئیس جمهور، که وزیر بهداشت دولت می‌گوید، «برونده روی میز رئیس‌جمهور است!» برخی پای «اخلاق» را هم به میان آورده‌اند و ادعا دارند که با پارازیت از اخلاق جامعه صیانت می‌کنند!! اگر مراکز علمی می‌گویند پارازیت و چتر اشعه مضر، بیماری‌زا است و سازمان حفاظت محیط زست به طور رسمی اطلاع می‌دهد که پارازیت سرطان‌زا است لابد مردم باید بین «اخلاق» و «سرطان» یکی را انتخاب کنند! آن هم در کشوری که همه می‌گویند مشکلات اخلاقی در جامعه، گسترده و عمیق شده است. اگر بعد از چند سالی، یکباره از رشد سرطان، آن هم به خاطر الودگی هوا پریشان‌هشدار دادند، تا چند سال دیگر مواجه با گزارش‌های پزشکی جدیدی نباشیم که قرار گرفتن در شعاع پارازیت‌ها و پرتوهای زیانبار، انواع و اقسام بیماری‌های و سرطان‌ها را موجب شده است؟! پارازیت، امروز در درون منازل و محیط زندگی مردم است؟ گزارش فردا از سلامت و امنیت مردم چه خواهد شد؟

ایران

«دستگاه تکثیر بابک زنجانی‌ها باید خاموش شود»

«میرعباس سلطانی» عضو کمیته تحقیق‌ونقص از بدهی بابک زنجانی تاکید کرد که بابک زنجانی صدواسیما را هم نمک‌گیر خود کرده‌بود و به همین خاطر گروه اقتصاد شبکه یک سیما و شبکه جام‌جم در ساعتی تبلیغات وی را نشان می‌داد. وی در گفت‌وگو با نفتنا با بیان اینکه «بخشی از پول زنجانی در سازمان‌ها و نهادهایی مانند صدواسیما خرج شده است» گفت: تیم زنجانی دلال همه‌چیز بوده و در هر عرصه دستی داشته است. گفته شده در بحث واردات طلا هم دست‌ها داشته‌اند. مثلا ۲۰میلیون دلار هزینه واردات طلا پیوده اما ۵میلیون دلار برای دولت فاکتور می‌شده است. سلطانی همچنین از دستور ریس دولت سابق به همکاری با زنجانی، اشاره کرد و گفت: «احمدی‌نژاد یکبار دستور داد با این فرد یعنی زنجانی همکاری شود. رستم قاسمی هم با استناد به سخن احمدی‌نژاد این دستور را به معاونانش داده است» وی افزود: «بخشی از ارتباط زنجانی و کارهای او از طریق (...) انجام می‌شود. این فرد تا یک سال پیش ممنوع‌الورود بود اما اکنون با گارد حفاظت تردد می‌کند که گفته می‌شود به دلیل وجود اسم این فرد در فهرست تحریم‌هاست و تیم زنجانی اکنون از او حمایت می‌کند و کارهای بابک زنجانی را انجام می‌دهد» به گفته این نماینده مجلس، فعالیت تیمی که از زنجانی حمایت می‌کند به گونه‌ای است که آنها ۱۰ تا بابک پرورش می‌دهند که اگر یکی به دام افتاد و به زندان رفت بقیه کارها را ادامه دهند»

تجارت

یادداشت: «ضرورت‌ها و انتظارات در سخنان رئیس‌جمهور»؛ غلامرضا ظریفیان
جامعه امروز ما با مشکلات روبه‌رو است که در سخنان ریاست‌جمهوری قرار داشته و وی از دانشگاه برای رفع آن طلب کمک کرد. چالش‌های زیست‌محیطی، انرژی، هوای آلوده فضای بهداشتی جامعه، مساله مهم خشکسالی و نیاز مبرم به آب به اراهه طرق علمی از این موارد است. ما نیاز داریم که ارتباطات بین‌المللی را به‌شدت تقویت کنیم. نباید به دانشگاه‌ها به‌عنوان باشگاه امنیتی نگریسته شود. حسن روحانی با اینکه به اصلی‌ترین ضروریات و شناخت آنها تاکید داشتند انتظارات را بیان کردند که با توجه به توانمندی‌ها در حل معضلات ملی کشور به کمک دولت بیایند و در فضایی که در جامعه دانشگاهی بارقه‌های امید پس از سیری‌شدن دوران طولانی جوانه زده، این فرصت را باید مغتنم شمرد.



یادداشت: «علی مطهری و پرسش‌هایی که باید از خود پیرسد»؛ محمدجواد اخوان

علی مطهری... در ادامه این نامه جنجالی... می‌کوشد ردای یک معلم اخلاق به تن کند و از آنچه هنک‌حیثیت و حرمت سران فتنه می‌خواند، ابراز انحرار می‌کند. او به این سوال پاسخ نمی‌دهد که اولاً اگر واقعاً سران فتنه از آمریکا و انگلیس بیزار بوده‌اند که اتهام اتصال آنها به این قدرت‌ها توهین تلقی شود، چرا در همان زمان که سران نظام سلطه به حمایت‌های آشکار از اینها پرداختند، راه خود را از آنها جدا نکردند و ثلثیا مگر کسی می‌تواند گناه بزرگ فتنه‌گران در جسارت به ساخت حضرت اباعبدالله(ع) و حضرت امام(ره) را فراموش کند، که علی مطهری به دنبال تشکیک در آن است؟

کیمیان

سر مقاله: «تارنچک‌های دودزاس!» حسین شرعیتمداری
مسوولان محترم که اکثریت قریب به اتفاق آنان فرزند انقلاب و دلمانی پاک از آلودگی‌ها دارند باید به این واقعیت ایمان داشته باشند که در روزهای حادثه -تخلیر دفاع مقدس- فتنه آمریکایی اسرائیلی ۸۸، تحمل سختی‌ها و ... - آنهایی که در میدان حاضرند، همین اقشار محروم و مردم عادی کودکان و بزراند و کلان سرمایه‌داران نه فقط، «یار شاطر» نیستند که «بار خاطرنده» و اگر به مراکز تفریحی لوکس و پرهزینه کشورهای اروپایی کوچ نکنند، در گوشه‌ای پنهان شده و فقط نظاره‌گر می‌مانند، هر چند که در موارد بسیاری با دشمنان هم‌پیماله‌بوده‌اند.

سال ۱۳۷۶ وقتی پوست‌های تبلیغاتی محمدخانی برای شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری در سطح شهر پخش شد، انگشت‌ری فیروززهای و محاسنشش کار دوخط سیاه از دوطرف لب با قسمت سفید آن جدا می‌شد، بیشترین توجه را به خود جلب کرد؛ همان موقع بود که شعرا جامعه مدنی و تغییر شرایط از سوی محمد خانی آنچنان برای مردم و به‌خصوص جوان‌ها باورپذیر شد که وی با رای قاطع از رقیب خود پیشی گرفت و بر صندلی ریاست‌جمهوری تکیه‌زد. باورپذیرشدن شعارها و گفته‌های محمد خانی فقط به‌دلیل کلامش نبود و آنچه او را محبوب کرد پیامی بود که از طریق راه‌های مختلف ارتباطی ارسال می‌کرد. او سخن‌های تازه را ابتدا از طریق حرکات و ارتباط غیر کلامی‌ای که با مردم برقرار کرده بود به آنها گفت و سپس از کلام استفاده کرد. پس از او محمود احمدی‌نژاد که با شعار خادم ملت و نوکر مردم به میدان آمد با پوشیدن کاپشنی معمولی و لباس‌هایی که عموم مردم از آن استفاده می‌کنند و بی‌توجه به هم‌خوانی آنها، سعی کرد شعار خود را باورپذیر کند که موفق هم شد و بعدها مدل خاصی از کاپشن بهاره که احمدی‌نژاد از آن استفاده می‌کرد از کاپشن بهاره به کاپشن احمدی‌نژادی در میان عموم مردم تغییر نام داد که از نشان آن باورپذیرشدن رفتار او میان مردم بود.
اهمیت زبان بدن در حاکم کردن یک تصویر بر مردم، به‌ویژه در شرایطی که از آغاز به‌وجودآمدن بشر مشخص شده است و قبل از پیشداش حروف و کلام، مردم از طریق حرکات و زبان بدن با یکدیگر سخن می‌گفت‌اند. متخصصان ارتباط غیرکلامی می‌گویند زبان بدن، صادق‌ترین زبان دنیاست چراکه حرکات بدن با فرمان مغز انجام می‌گیرد و تقریباً غیرقابل کنترل است و ماهرترین افراد فقط می‌توانند آن را کمتر کنند اما نمی‌توانند آن را از بین ببرند، درحالی‌که کلام از پیش تعیین‌شده و قابل کنترل است به همین دلیل این حرکات یا زبان بدن را صادق‌ترین حرکات بدن می‌نامند و برای پیردن به واقعیت‌ها در افراد، حرکت بدن آنها را به‌دقت مورد بررسی قرار می‌دهند. «پل اکمن»، روانشناس معتقد است مهم‌ترین اتفاقی که در قرن‌های اخیر از طریق زبان بدن از سوی روانشناسان پیش‌بینی شده، جنگ‌ جهانی دوم بود که بر بررسی حرکات هیتلر حین سخنرانی‌ها و همچنین آوا و نحوه به‌کاربردن کلمات جنگ‌ جهانی دوم را پیش‌بینی کردند. اما «چمبرلین»، نخست‌وزیر وقت انگلیس پیش‌بینی‌ها را جدی نگرفت و بعد از گفت‌وگو با هیتلر درمورد الحاق اتریش به آلمان و جلوگیری از جنگ‌ جهانی گفته‌های هیتلر را پذیرفت. اگر «چمبرلین» به حرکات بدن هیتلر توجه می‌کرد شاید حالا جهان سرنوشت دیگری داشت.

متخصص ترجمه زبان بدن

پیش‌بینی‌های دقیقی که به کمک متخصصان ارتباط غیر کلامی اتفاق افتاد و تأثیری که این نوع ارتباط بر افکار عمومی داشت، توجه سیاستمداران عصر حاضر را بیش‌از پیش به خودش جلب کرد تا جایی که در آخرین اقدام، پتانگون گروهی متخصص را برای ترجمه زبان بدن سیاستمداران جهان تشکیل داده و گزارش‌های خود را در این خصوص به کاخ سفید ارائه می‌کند. دکتر «آلبرت محرابیان»، استاد ایرانی-آمریکایی ارتباط غیرکلامی در تحقیقاتی که در این خصوص انجام داده به این نتیجه رسید که در انتقال پیام، هفت‌درصد کلام و ۳۸درصد آوا و ۵۵درصد مربوط به حرکات بدن است، به همین دلیل است که وقتی رئیس‌جمهوری هر کشوری که نماینده آن کشور است در مجامع بین‌المللی سخنرانی یا با همتائیس خارجی خود دیدار دارد، مورد توجه قرار می‌گیرد. بررسی ارتباط غیر کلامی سران کشورها در آخرین اجلاس سازمان‌ملل که توسط دوربین‌های این سازمان ضبطو پخش شده قطعا در کشورهای قدرتمند جهان درحال انجام است اما در این میان حسن روحانی، رئیس‌ جمهوری اسلامی ایران در ۲۳ دقیقه سخنرانی خود در سازمان‌ملل چه پیامی را به مردم و رهبران جهان ارسال کرد و آیا حرکات بدنش از آنچه در کلام بیان می‌کرد، هم‌خوانی داشت؟

بررسی ۲۲ عکسی که از سخنرانی حسن روحانی در سازمان‌ملل حین سخنرانی گرفته‌شده و روی سایت ریاست‌جمهوری قرار گرفته است نشان می‌دهد چهره رئیس‌جمهوری در تمامی این عکس‌ها بدون لیخند و جدی است. مطابق نظریات «پل اکمن» روانشناس و استاد ارتباط غیرکلامی، عضلات صورت هر انسانی در شش حس مشترک است و واکنش یکسانی نشان می‌دهد. این شش حس که در میان همه مردم جهان یکسان است، خشم، خوشحالی، غم، ترس، بیزاری و شگفت‌زدگی است که بیشتر این حس‌ها



تحلیل زبان بدن رئیس‌جمهوری در «نیویورک»

فراتر از کلام

مرجان لقایی - رابعه موحد

در عضلات صورت و حرکات چشم نمایان می‌شود. حرکت عضلات صورت در خشم و ترس نزدیک به هم است اما تفاوت‌هایی دارد که از جمله آن، در ترس، ابروها به سمت بالا می‌روند و گوشه‌های آن به سمت هم است اما در خشم ابروها فقط به سمت هم کشیده می‌شوند. نکته دیگر اینکه در خشم چروکی در پیشانی وجود ندارد در حالی‌که در ترس این چروک موجود است البته اگر در خشم چروکی وجود داشته باشد، همیشگی است. فرورفتگی لب‌ها نیز از نشانه‌های خشم است که اگر بسیار به داخل کشیده شود نشان از خشم شدید است.

لیخند برای استتار

در حس خوشحالی، لیخند مهم‌ترین نشانه است اما باید توجه داشت که لیخند گاه پوشاننده حس‌های منفی نیز هست. لیخند زمانی نشانه خوشحالی است که همراه سایر نشانه‌ها باشد و در حس خوشحالی، لب‌ها گاهی باز و گاهی هم بسته می‌ماند. لب‌ها گاهی باز شده و گاهی هم بسته می‌ماند اما خط لیخند ایجاد می‌شود، گونه‌ها بالا می‌روند و پایین چشم، چروک می‌افتد و در قسمت بیرونی چشم چروک‌ها دیده می‌شوند. به‌جز شش حس پایه، حرکات دست‌ها نیز منبع مهم ارتباط غیر کلامی و زبان دوم محسوب می‌شود. حرکت دست و نحوه دست‌دادن افراد باهم می‌تواند نشانه ارتباط بین دو فرد در موقعیت باشد. بنابر آنچه گفته شد تحلیل عکس‌های منتشرشده از رئیس‌جمهوری در سازمان‌ملل نشان می‌دهد او در طول سخنرانی، عضله‌های صورتش منقبض بوده است به این معنا که عضله‌های صورت به سمت پایین کشیده شده، لب‌ها به سمت داخل دهان درهم بوده، ابروها درهم کشیده شده، حرکت سر نیز روبه پایین بوده و به سمت چپ (درعکس) چرخیده است که نشان از نگاه رئیس‌جمهوری به یک سمت بوده است. فقط در یک مورد سر روبه جلو و نگاه مستقیم بوده که در آن عکس نیز ابروها در هم کشیده شده و خط لیخند رو به پایین است و نگاه نیز خیره است که البته همه این علایم نشان ناراحتی و جدیت است. در عکس‌های موجود، رئیس‌جمهوری از زبان دوم خود یعنی حرکات دست‌ها هیچ‌استفاده‌ای نکرده است. به همان اندازه که حرکات اضافه بدن می‌تواند اضطراب را نشان دهد کنترل بیش‌ازحد آنها نیز نشان از همان میزان اضطراب فرد سخنران دارد. ضمن اینکه استفاده از حرکات دست حین به کار بردن کلمات نشان از اطمینان فرد در گفته‌هایش دارد و آنها را برای شنوندگان باورپذیرتر خواهد کرد. استفاده از انگشت اشاره هنگام تاکید و تحکم، یکی از مهم‌ترین روش‌های اطمینان‌سنجی از گفته‌های فرد سخنران است، آن هم زمانی که سخنران می‌خواهد از قدرت و اقتدار کشورش، یا حتی که دارد سخن بگوید، اما رئیس‌جمهوری از حرکات دست و



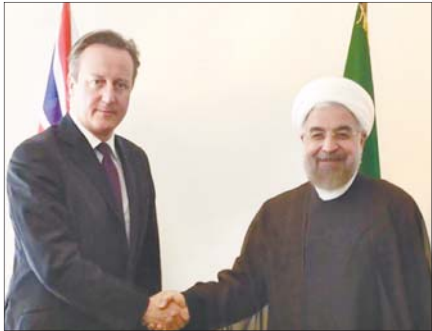
و در حالت زیر قرار داده است. عضلات صورت «پوتین» به سمت پایین کشیده شده خط لیخند و عضلات دور لب او به سمت پایین و ابروها روبه‌پایین قرار دارد و او سعی کرده به جایی به‌جز روحانی و دوربین نگاه کند، این وضعیت «پوتین» نشان می‌دهد او از امتیازات احتمالی که به روحانی داده اصلاً خشنود نیست. وضعیت بدن «پوتین» نشان می‌دهد گفته‌های «برنده اجلاس آستانراخان ایران بود» دقیقاً همان چیزی است که فکر می‌کرد.

در یکی دیگر از این عکس‌ها که حین راه‌رفتن «پوتین» و روحانی گرفته شده است، روحانی یک‌گام جلوتر از «پوتین» است و پوتین سعی کرده خود را به او برساند. نحوه قدم‌برداشتن و فاصله دویابی «پوتین» این موضوع را تأیید می‌کند، عکس موجود نیز نشان از در موضع قدرت قرار گرفتن روحانی است. نشستن هیات همراه رئیس‌جمهوری ایران و روسیه حین مذاکرات آنها هم قدرت بیان ایران را نشان می‌دهد. شانه‌های صاف، پاهای منظم و کمرهای صاف و سرهای بالا نشانه‌های غیر کلامی افراد قدرتمند است، در حالی‌که هیات روس شانه‌هایی افتاده و پاهایی نامرتب دارند.

فرانسه پیشقدم بود

حسن روحانی در دیدار با «اولاند» نیز با هوشمندی از حرکت دست خود استفاده کرده. او حین دست‌دادن با «اولاند» دست خود را در حالت عمود قرار داده است. به این معنا که دست دو رئیس‌جمهوری در حالت عمود و برابر است. برعکس نحوه دست‌دادن با پوتین که دست وی زیر و دست روحانی رو بود و موضع برتر ایران را نشان می‌داد. در این عکس نیز روحانی با نحوه دست‌دانش درواقع بر موضع برابر ایران در مذاکره و ارتباط با فرانسه تاکید کرده است. در این تصویر نیز حسن روحانی دست را در چارچوب بدن خود قرار داده و این اولاند است که دستش را به‌سمت روحانی دراز کرده و روحانی با نگاه‌کردن به دوربین، ارتباط چشمی و خوشحالی را هنگام دست‌دادن حفظ کرده است. عضلات صورتش روبه‌بالاست و لیخندش در حدی که دندان‌های بی‌پدست؛ نشان می‌دهد او از وضعیت موجود، کاملاً راضی است درحالی‌که «اولاند» در این وضعیت نیست. او برای دست‌دادن با رئیس‌جمهوری ایران دستش را به سمت او دراز کرده، کسی که دست را دراز کرده آن هم در اندازهای بیشتر از طرف مقابل، در موضع درخواست قرار می‌گیرد، به همین دلیل، «اولاند» سعی کرده به دوربین نگاه نکند و عضلات صورتش که روبه‌پایین کشیده‌شده‌است ناز‌احتی او را نشان می‌دهد.

عکس موجود از دیدار حسن‌روحانی با «دوید کامرون» نخست‌وزیر انگلستان، روحانی را در وضعیتی متفاوت قرار داده‌است. عضلات صورت روحانی، لیخندی که بر لب دارد و نگاه به دوربین رضایت‌درونی او را نشان می‌دهد. «دوید کامرون» نیز در چنین وضعیتی قرار دارد هرچند چهرهای جدی و به سبک معروف انگلیسی‌ها دارد اما نگاهش به دوربین و کشیده‌شدن عضلات صورتش به طرفین و لیخند محوی که بر صورت دارد، زمان عکس گرفتن با روحانی، رضایت‌درونی او را نیز نشان می‌دهد با این حال «کامرون» سعی کرده این رضایت را کاملاً کنترل کند. اما نکته‌ای که در این عکس وجود دارد دست حسن روحانی است؛ دستی که برخلاف عکس‌های موجود از دیدار با «پوتین» و «اولاند» از چارچوب بدن خارج شده و به سمت «کامرون» رفته است. این‌بار دست نخست‌وزیر انگلیس است که در چارچوب بدنش قرار گرفته است. این رضایت به بیننده نشان می‌دهد ایران به برقراری رابطه با انگلستان تمایل بیشتری داشته اما باز هم با همان جمله تأکیدی روحانی، «از موضع برابر». هرچند ایران دستش را به سمت انگلستان دراز کرده اما عمودبودن دست هر دو طرف، هنگام گره‌خوردن به هم گفت‌وگو بین این دو موضع را برابر و لیخندی که بر لب دارد چین دور نشان می‌دهد. فارغ از جدیت و ناراحتی که زبان بدن رئیس‌جمهوری حین سخنرانی در سازمان‌ملل نشان می‌دهد، زبان بدن او در دیدار با سران سه قدرت جهانی خوشحالی و اقتدار را نشان می‌دهد اما ارتباط غیرکلامی فقط حرکات بدن نیست. رنگ‌های استفاده‌شده از لباس سخنران کشورها نیز بیانگر پیامی است که می‌خواهد به طرف مقابل بدهد، با توجه به اینکه ملاقات با سران سه قدرت جهانی و سخنرانی در سازمان‌ملل چهار موقعیت متفاوت برای حسن‌روحانی بوده است. آیا استفاده از رنگ سرمه‌ای، سیاه و سفید و در یک مورد قهوه‌ای (با استناد به عکس‌های موجود) علامه بوده یا بی‌توجهی مشاوران رسانه‌ای رئیس‌جمهوری به تأثیر و پیام رنگ‌های لباس بازمی‌گردد؟



ادامه از صفحه ۳

ایران؛ متعلق به همه ایرانیان

توسعه آن حاضر به مساعدت و همراهی هستند ولی زمینه همکاری همواره بسته بوده است. بر اساس آخرین آمار، هم‌اکنون بیش از ۱۱هزاراستاد ایرانی در دانشگاه‌های آمریکا و کانادا مشغول تدریس هستند و بیش از ۹هزار دانشجوی ایرانی به‌خصوص در سطح دکترا و فوق‌دکترا به تحصیل مشغولند. صدها ایرانی در موسسات معتبر علمی و صنعتی در سطح مدیریت نقش دارند. همزمان موج فرار مغزها کم‌سازان از ایران ادامه دارد و سالاانه بیش از ۱۵میلیارد دلار سرمایه معنوی و علمی از کشور خارج می‌شود. البته به‌نظر نمی‌رسد معاونت علوم و فناوری ریاست‌جمهوری به‌دنبال بازگرداندن نخبان به کشور باشد. فرامه‌کردن زمینه‌برای جلوگیری از خروج بیشتر نخبان به

ادامه از صفحه اول

ترکیه‌ای که «اردوغان» می‌خواهد

اگرچه داووداوغلو از سال ۲۰۰۹ مسوولیت وزارت خارجه ترکیه را برعهده داشته ولی به‌دلیل رابطهای با اردوغان داشته، پیش‌بینی می‌شد جانشین او شود. همچنین با توجه به شایعاتی که درباره جانبداری عبدالله گل از فتح‌الله گولن به گوش می‌رسیده این ذهنیت شکل گرفته بود که عبدالله گل در پایان دوره ریاست‌جمهوری، ناگزیر به ترک حزب و قدرت خواهد بود.

اختلافاتی که در این مدت آشکار شده و از این پس بیشتر برملأ خواهد شد، می‌تواند وحدت حزب را در آستانه انتخابات پارلمانی به خطر بیندازد. ضمناً با توجه به روشی که اردوغان در پیش گرفته و آن، حرکت به‌سوی استبداد و سیاست شخص‌محور است، احزاب و جناح‌های مخالف نیز ساکت نیستند و از این پس بر فشارهای خود خواهند افزود.

حوادث و ناآرامی‌های سال گذشته در ترکیه که با انتقادهای بسیاری نسبت به اردوغان و برخوردهایش همراه بود، نشان از این موضوع داشت که او و حزب حاکم-که در این سال‌ها از نوعی حاشیه‌انیت برخوردار بودند- مناسبانه روش دیکتاتورها را در پیش گرفته و

اردوغان در حال حرکت به سویی است که پوتین و آتاتورک پیموه‌اند. اگرچه حزب عدالت‌وتوسعه توانسته در این سال‌ها با کسب اکثریت در انتخابات مختلف، در راس قدرت باقی بماند ولی از آنجا که طبق اساسنامه هیچ‌یک از اعضایش نمی‌توانند بیش از سه دوره مسوولیت پارلمانی یا اجرایی داشته باشند، ناگزیر است برای انتخابات آتی پارلمانی، دست به پالایش نیروها بزند.

بنابراین با توجه به اختلافاتی که عبدالله گل و همسرش بخشی از آن را آشکار کردند بیم آن می‌رود که اقتدار و یکپارگی این حزب خدشه‌دار شده و نتواند به خواسته اردوغان مبنی بر کسب اکثریت قاطع پارلمانی برای تغییر قانون اساسی دست یابد.

آرای نه‌چندان قاطع در انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری و رشد چشمگیر آرای مخالفان، نشان داد که حزب عدالت‌وتوسعه به‌کارتی خود را از دست داده و اگر این روند ادامه یابد، زمینه برای به زیر کشیدنش از قدرت فراهم خواهد شد. مردم ترک به تجربه آتاتورک و حکومت‌های نظامی را دارند، به زندگی در حکومتی که یک آتاتورک اسلامی در راس آن قرار گرفته باشد، تمایل ندارند، به همین دلیل انتخابات پارلمانی بعدی از اهمیت بسیاری برای حزب عدالت‌وتوسعه و منتقدان سرنوشت‌ساز خواهد بود. آیا ترک‌ها به یک آتاتورک اسلامی تن خواهند داد یا اینکه ترجیح می‌دهند به مسیر دموکراسی و مردسالاری بازگردند؟

«کوبانی»

و مسوولیت فردی و بین‌المللی

و آن حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و حتی انجام اقدامات پیش‌دستانه برای پیشگیری از وقوع جنایت علیه بشریت است اما عملکرد سلیقه‌ای و منافع‌محورانه همه پنج‌قدرت دارای حق وتو و نحوه واکنش آنان در قبال تحولات نامهای اخیر در سوریه و عراق به‌گونه‌ای است که نمی‌توان امید چندانی به انجام واکنش موثر از سوی آنان داشت. سایر اعضای عادی سازمان‌ملل متحد و از جمله دولت‌های قدرتمند منطقه‌ای هم نوعی سکوت مرگبار در قبال این تحولات اتخاذ کرده‌اند، ترکیه که عملاً با محاصره شدید مرز مشترکش با «کوبانی» مانع از رسیدن هر کمکی به این ملحق‌شدن ه‌واداران مقاومت در «کوبانی» تا کمک‌های انسان‌دوستانه از جمله آب و مواد غذایی و حتی انتقال مجروحان شده است و به تعبیری گویی با این اقدام خود، جنگ بر گلوئ «کوبانی» زخمی‌ازینب دعاش انداخته تا نفس‌هایش هرچه زودتر به شماره افتد، حتی داووداوغلو که پیش از این گفته بود ترکیه اجازه نمی‌دهد «کوبانی» سقوط کند، در جدیدترین اظهارنظرش از ادعای پیشین عقب‌نشینی کرده و گفته است: «تنها «کوبانی» نیازمند کمک نیست» اما جدای از ترکیه عملکرد دولت سوریه نیز در قبال محاصره «کوبانی» قابل نقد و تأمل است؛ به‌نظر می‌رسد دمشق که در چند جبهه در گیر جنگ با داعش و دیگر مخالفان امنیت باید حتی جدای از مساله کمک به کردها به‌عنوان بخشی از شهروندان کشورش، از منظر استراتژیک مانع از رسیدن داعش به مرز مهم «کوبانی» با ترکیه شود، چراکه این امر در آینده می‌تواند معادلات قدرت در جنگ کلی با این گروه تروریستی را با مخاطرات بیشتری مواجه سازد؛ اما تاکنون هیچ اقدام موثری در این زمینه از جمله انجام حملات هوایی توسط جنگنده‌های دمشق رخ نداده است.

امسا شاید این‌روزها تنها نگران‌های واقعی ساکنان «کوبانی»، مردم عادی در اقصی نقاط جهان به‌خصوص در ترکیه، ایران، عراق و... باشند، کسانی که تنها ابزارهای ابراز حمایت و وا‌ردآوردن فشارشان بر دولت‌ها به شبکه‌های اجتماعی و با برگزاری تجمعات اعتراضی خیابانی و به‌تاژگی برایای کمپین اعتصاب غذا در حمایت از «کوبانی» محدود می‌شود؛ مردمی که همدلی و حمایتشان را از این طریق اعلام می‌دارند، اما باوجود همه این همدلی‌های مردمی نیز باید گفت پراستی «کوبانی» همچنان نهاست، «کوبانی»ای که بخشی از جغرافیای نوروز و آریایی است و ساکنانش دارای پیوندهای ناگسستنی تاریخی، فرهنگی، نژادی و زبانی با دیگر مردم ایرانی هستند

پژوهشگر میهمان

در مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه